

جنبش شهرسازی در سده‌های نخستین خلافت اسلامی

عباسعلی آذرنیوشه*

چکیده

هنگامی که اعراب بادیه‌نشین مسلمان در آغاز قرن هفتم میلادی از صحرای جزیره‌العرب به‌عنوان جهاد دینی به اطراف پراکنده شدند، غیر از آیین جدیدشان، چیزی که مخصوص خود آنان باشد به همراه نداشتند؛ از فنون معماری چیز زیادی نمی‌دانستند، شهرهایشان جز توده‌هایی از کلبه‌های گلی ابتدایی و روستاهایشان جز جوخه‌هایی از سیاه‌چادر یا آلونک‌هایی از نی نبود و تنها عبادتگاهی که داشتند، کعبه در مکه بود که به هیچ‌یک از درجات هنر ساختمان ارتباطی نداشت. با این وجود، چند دهه پس از این مهاجرت، به کمک اقوام و ملل مغلوب و امکانات ذاتی آنان جنبشی را آغاز کردند که از آن به «جنبش عمران و شهرسازی» می‌توان یاد کرد؛ زیرا پس از مدت کوتاهی به برپایی شهرهایی چون کوفه، بصره، واسط و بغداد در شرق و فسطاط و رام‌الله در غرب اقدام کردند. هدف از این پژوهش با اتکا به منابع و شواهد تاریخی پاسخ بدین سؤال است که چه عواملی اعراب صحراگرد را بر آن داشت تا به درک تاریخی ضرورت چنین پدیده‌ای نائل شوند.

واژگان کلیدی

شهرسازی، اعراب، مسجد، بازار، عباسی، اموی، قصور.

طرح مسئله

براساس منابع تاریخی، اعراب در آغاز اسلام صحراگرد و چادرنشین بودند و از اقامت در شهرها و حصر در برج و باروها بیزار بودند. اما برعکس، ظاهراً چنین به‌نظر می‌رسد که دین اسلام دینی شهری است و برای

تحقق اهداف اجتماعی و دینی خود نیاز به شهر دارد؛ زیرا چنان که خواهیم دید، گسترش اسلام و توسعه قلمرو آن با جنبش عمرانی، تأسیس شهرهای جدید، توسعه و بازسازی بعضی شهرهای قدیم همراه بود.

در ابتدای عصر فتوحات، اعراب در جریان لشکرکشی‌ها و فتوحات مناطق جدید، زنان و کودکان‌شان را نیز با خود می‌بردند. از این‌رو همین که شهری را می‌گشودند، در بیرون شهر و در همان چادرها که در واقع اردوگاه نظامی به‌شمار می‌رفت، با زن و فرزند اقامت می‌کردند. این اردوگاه‌های نظامی به‌تدریج و بر اثر طول سکونت، تبدیل به شهر می‌شد. خود اعراب هم به‌ناچار بر اثر ثروت‌های به‌دست آمده و آسایش نهفته در زندگی شهری در قیاس با بیابانگردی، به‌تدریج جذب زندگی شهری شدند. اما به‌صراحت می‌توان گفت که حتی پس از شهرنشینی هم خوی بیابانگردی و بادیه‌نشینی تا مدت‌ها همچنان بر اخلاق و اطوار اعراب غلبه داشت و وجه ممیزه این قوم محسوب می‌شد.

با توجه به منابع و مآخذ جغرافیایی، پس از پایان فتوحات و آغاز دوره تجزیه سیاسی و نظامی امپراتوری اسلامی، هرگاه حکومت جدیدی برپا یا دوره جدیدی شروع می‌شد یا گروه و خانواده‌ای به قدرت می‌رسید، پایگاه یا پایتخت جدیدی برای خود تأسیس می‌کرد تا علاوه بر تثبیت قدرت، موجودیت سیاسی خود را نیز محقق سازد. از همین روی می‌توان گفت که شهر اردوگاه‌هایی مانند بصره، کوفه، فسطاط و قیروان مربوط به عصر فتوحات و شهرهای پایتختی مربوط به عصر پس از فتوحات و رسوب قبایل عرب در سرزمین‌های جدید بوده است.

هرچه به پایان عصر فتوحات نزدیک می‌شویم، وحدت و یکپارچگی جامعه هم دستخوش استحاله و دگرگونی می‌شود. اما بی‌تردید این اختلاط و در هم آمیختگی‌ها برای باروری فرهنگ و تمدن عصر اسلامی سخت مبارک بود. خلفای دوره اول اسلام به‌علت نداشتن مدیر، مجبور شدند اداره امور کشورهای فتح‌شده را به حال قبلی حفظ کنند و به‌علت نداشتن بنا و معمار، ساختمان‌های موجود را مورد استفاده قرار دهند. کم‌کم ملل مغلوب ابنیه خود را با مقتضیات و احتیاجات فاتحین وفق دادند.^۱

چنان‌که از منابع اسلامی برمی‌آید، اولین آثار معماری که اعراب ساختند، در شهرهایی بود که به‌عنوان اردوگاه سپاه مسلمین توسط فرماندهان تعیین شده بود؛ مانند بصره و کوفه در بین‌النهرین و فسطاط در مصر. البته شایان ذکر است که نخستین مسجد و اثر معماری عربستان به روزگار حضرت محمد ﷺ با محدوده‌ای مستطیل شکل توسط حضرت و مسلمین ساخته شد که یک ضلع آن را انباری پوشیده از برگ نخل تشکیل می‌داد و چسبیده بدان، اتاق‌های ساده همسران رسول خدا ساخته شد.^۲ بنا و معمار مساجد عهد رسول الله ﷺ را در روایات عمار بن یاسر معرفی کرده‌اند.^۳

۱. گذار، هنر ایران، ص ۳۵۱.

۲. همان؛ پرایس، هنر اسلامی، ص ۱۳؛ ابن‌هشام، السیره النبویه، الجزء الثانی، ص ۱۰۲.

۳. همان، ص ۱۰۳.

بیشتر مساجد بعدی نیز به تقلید از مدل رسول خدا ﷺ ساخته شد.^۱

از این رو ارائه مدارک و شواهد تاریخی برای بیان این شور و شوق زایدالوصف اعراب بادیه‌نشین پس از اندک مدتی استقرار در سرزمین‌های جدید، هدف اصلی این پژوهش می‌باشد.

عوامل برپایی نخستین شهرهای اسلامی

۱. فتوحات نظامی

خروج اعراب از جزیره‌العرب در دهه‌های نخستین قرن هفتم میلادی پس از وحدت دینی‌ای که در عهد خلیفه اول بین قبایل عرب ایجاد شد، به هر انگیزه‌ای که بوده؛ چه انگیزه جهاد برای گسترش دین در سرزمین‌های جدید (دارالکفر)، چه انگیزه‌های غارت و چپاولگری و چه انگیزه اقتصادی یا به نوشته محققین مسیحی حس حسادت و گرسنگی و احتیاج در صحراهای قحطی‌زده نسبت به سرزمین‌های آبادتر که به همسایگان نیک‌بخت‌تر آنان تعلق داشت و بالاخره چه تأسیس حکومتی تئوکراسی، به‌ناچار آنها نیاز به مکان‌هایی برای سکونت و استقرار جهت تثبیت و حفظ حاکمیت خود بر مناطق فتح‌شده و همچنین پیشروی در سرزمین‌های جدید داشتند. از همین رو بیشتر محققین از این مکان‌های استقرار اولیه به‌نام‌های اردوگاه (کلنی‌های نظامی) یا شهرهای نظامی نام برده‌اند؛^۲ زیرا سپاه اعراب ساختاری قبیله‌ای داشت و قبایل عرب به همراه زنان و فرزندان خود به سرزمین‌های جدید وارد می‌شدند. در نتیجه به‌ناچار در یکی از بخش‌های این اردوگاه‌های اولیه سکونت می‌کردند. به‌تدریج پس از گذشت سال‌ها و گسترش بناها و راه‌ها و تأسیسات آبیاری، این اردوگاه‌ها به شهرهای بزرگ تبدیل می‌شدند.

۲. عامل جغرافیایی

شهرها از قدیم‌الایام با آب و هوای طبیعت هماهنگی قابل‌توجهی داشته‌اند. شهرهای اسلامی نیز از همین قاعده پیروی نموده‌اند، زیرا شرایط آب و هوا نه‌تنها در درجه نخست بر انسان‌ها، بلکه بر کیفیت ساخت شهرها، نوع ساختمان‌ها، مصالح، بازارها و حتی نوع تزیینات داخلی نیز مؤثر بوده است. هشام جعیت نیز در اثر خویش به‌نام کوفه پیدایش شهر اسلامی ضمن استناد به درخواست عمر از سعد بن ابی‌وقاص در انتخاب موقعیت شهر کوفه با این عبارت که: «تازیان چون اشتراند؛ آنچه شایسته اشتران است، ایشان را نیز شاید. پس جایگاه سالمی را برای ایشان برگزین و چنان کن که میان من و ایشان دریایی واقع نشود»،^۳ به نتیجه‌گیری‌های متفاوت و گاه متضاد از این عبارت می‌پردازد؛ گاهی بدین موضوع اشاره می‌کند که همین حضور شترها می‌تواند بر تصمیم انتقال به یک منطقه باز

1. whitcomb, *oxford*, p 357-358.

۲. میکل و لوران، اسلام و تمدن اسلامی، ص ۱۲۰؛ سلطان‌زاده، مقدمه‌ای بر شهر و شهرنشینی در ایران، ص ۸۸.

۳. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۷۰.

در استپ تأثیر گذاشته باشد؛ انتقالی که بیشتر به دلایل روانی - از جمله مسئله خو گرفتن و انطباق - صورت گرفته است تا اقتصاد.^۱ اعراب تنها با جایی سازش می‌یابند که گله‌هایشان در آنجا راحت باشند؛ مکانی که هم ویژگی‌های منطقه برّی و محیط استپی و صحرایی را داشته و هم ویژگی‌های محیط زراعی (ریف) را داشته باشد. اما در دنباله مطلب به اهمیت مرزی آن که مراقبت از سواد را امکان‌پذیر می‌کرد، به دلایل استراتژیکی تأکید می‌ورزد.^۲ ظاهراً نویسنده عوامل گوناگونی را برمی‌شمارد که در آغاز این فصل از کتابش درصدد کم‌اعتبار جلوه دادن آن بود؛ به‌ویژه عامل جغرافیا. اما در چند سطر بعد مجدداً بر عامل جغرافیا تأکید می‌ورزد. عالی بودن محل کوفه، هوای خوب آن و وجود آب فراوان، همه این امتیازات در ادبیات عرب، به‌ویژه هنگامی که صحنه‌های مبارزه تن به تن میان کوفی‌ها و بصری‌ها به توصیف درمی‌آید، چهره می‌نماید.^۳ سپس بلافاصله می‌افزاید: آنچه موجب می‌شود این محل برای سکونت انسان ارزشی استثنایی داشته باشد، وجود چشم‌اندازهای جغرافیایی شدیداً متفاوت در هر طرف است: صحرا، رودخانه، مرداب‌ها و دریاچه نمک، آن‌هم بدون وجود معایب این پدیده‌های طبیعی. این تلفیق میان صحرای استپی و زمین زراعی، مسکونی و نزدیک به آب می‌توانست موجب تعاطی این پدیده‌ها و ایجاد نوعی حالت تکمیلی شود.^۴

۳. موقعیت استراتژیکی

اعراب همچنان که مستشرقین و جغرافی‌دانان یادآور شده‌اند و جعیط نیز خاطرنشان ساخته، با استقرار خود در کوفه در واقع بر دروازه عراق کوبیده بودند؛ زیرا اینجا در واقع دالان نفوذ آنها به عراق بود. علاوه بر اینها، آسان‌ترین مسیر از جزیره‌العرب به عراق نیز گذرگاه فرات میانه و تمامی بابل بود که از این منطقه می‌گذشت. به علاوه، این نقطه محل تماس و تلاقی دو دنیای بادیه (صحرا) و دنیای تمدن شمال شرقی و غربی جزیره‌العرب به‌شمار می‌آمد و به تعبیر دقیق‌تر، از لحاظ استراتژیکی نقش پلی را ایفا می‌کرد که مأموریت انتقال قبایل عرب داوطلب جهاد را از مرکز خلافت در جزیره‌العرب به اردوگاه نظامی کوفه به‌منظور سازمان‌دهی و اعزام به‌سوی جهادگران در حال پیشروی در قلمرو امپراتور ساسانی را سر و سامان می‌داد.

۴. اهمیت از لحاظ تجاری و ارتباطی

بدون تردید راه‌های ارتباطی و تجاری نقش مهمی در پیدایش شهرها داشته‌اند. اما از آنجا که بیشتر

۱. هشام جعیط، کوفه، پیدایش شهر اسلامی، ص ۸۱ - ۸۰.

۲. همان، ص ۸۱.

۳. همان، ص ۸۳.

۴. همان، ص ۸۴.

سپاهیان مسلمان را قبایل بادیه‌نشین تشکیل می‌دادند، به طریق اولی نمی‌توان به شواهد و مدارک قطعی و مسلم تاریخی اشاره کرد که مبین توجه فاتحان عرب به موازات کشورگشایی به این امر بوده باشد. به تدریج با گذشت زمان، به‌ویژه از آغاز سده دوم هجری این موضوع بیش از پیش مورد توجه خلفا و امرا واقع گردید. البته شایان ذکر است شهرهای تأسیس شده در سواد عراق که زاینده نیازهای پس از پیروزی‌ها و لازمه آرامش و امنیت بود، جملگی جز بصره که وضعیت بندری داشت، شکننده و زوال‌پذیر به‌نظر می‌رسیدند؛ اما تجارت عظیم خلیج فارس باعث تقویت و نجات آنها شد. شهرهای کوفه و بصره و مراکز شهری فرات سفلی و وسطا (۱۷ ق / ۶۳۸ م) و بالاخره شهر واسط با موقعیت ارتباطی ویژه، بین کوفه و بصره ایجاد گردید. ساخت کوفه و بصره بر سر راه این شهرها، تا حدود زیادی مبین اهمیت نقش ارتباطی شهرهای مذکور برای فاتحان عرب بود.

روند تحولات شهرنشینی و شهرسازی در آغاز خلافت اسلامی

طی مدت نه‌چندان طولانی پس از ورود و استقرار اعراب در بین‌النهرین، شام و شمال آفریقا، دگرگونی‌های شدیدی در شکل‌گیری شهرها، رواج فرهنگ اسلامی، سیستم شهرسازی و جمعیت شهرنشین رخ داد؛ به‌طوری‌که از هر لحاظ با دوران باستان تفاوت‌هایی داشت. حتی شهرهایی که در این دوره بازسازی شدند، با سبک‌های قدیمی خود تفاوت بسیار داشتند.

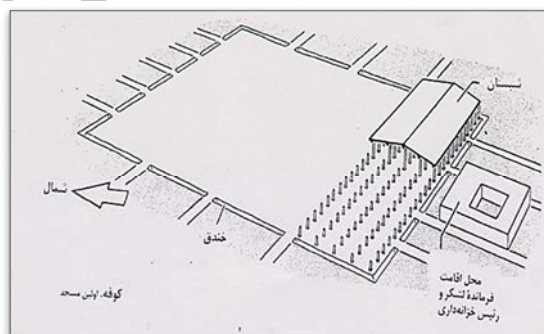
اعراب در ابتدای ورود به سرزمین‌های فتح‌شده تجربه زیادی در زمینه شهرسازی نداشتند. از این رو برای اسکان سپاهیان و مهاجران عرب، اردوگاه‌های نظامی متعددی در بیرون شهرها برپا کردند که به تدریج در سال‌های بعد به شهرهای بزرگ تبدیل شدند. اما این شهرها همگی خصوصیات مشترکی داشتند؛ چراکه همگی نظامی و محل توقف لشکریان بودند و قبایل در محله‌های مختلف آنها سکونت داشتند، همگی اعراب دورافتاده بودند که قلاع مستحکمی نداشتند و بالاخره شهرهایی بودند که بیشتر اوقات در حواشی و دور از دریا به‌جای شهرهای قدیمی ساخته شدند و نقش این شهرها را برعهده داشتند.

بنابراین زمانی که شهر جدیدی فتح یا بنا می‌گردید، براساس همان سنت قبیله‌ای برای هر قبیله محله‌ای جداگانه تأسیس می‌شد. دیوارهای دروازه‌دار، احداث می‌شد. آنها این سنت خود را به ایران نیز آوردند که نمونه بارز آن در شهر مرو در قرون یازده و دوازده میلادی (پنجم و ششم هجری) دیده می‌شد. همدان تنها شهری بود که دور آن دیواری وجود نداشت، ولی محلات مختلف به‌وسیله دیوارهایی که هریک دروازه‌ای داشت، از یکدیگر جدا می‌شدند. این دروازه‌ها را شب‌هنگام می‌بستند. دروازه‌هایی از این نوع حتی در کوچه‌های حومه شهرها نیز وجود داشت.^۱

درباره شهرسازی دوره ساسانی اطلاعات قابل توجهی در دست است؛ چنان که فیروزآباد که در زمان اردشیر اول (۲۴۰ - ۲۲۶ م) تأسیس شد و بعدها نام گور گرفت، به عقیده برخی مستشرقین براساس نقشه مدور با الگوبرداری از شهر دارابجرد ساخته شد. این نوع شهرسازی اصلاً مأخوذ از یک سنت باستانی آشوری بود^۱ که پارتیان از آن برای ساخت اردوگاه نظامی بهره می گرفتند. ولی هنگامی که شاپور اول (۲۴۱ - ۲۷۳ م) شهر بیشاپور را می ساخت، از پلان هیپوداموسی^۲ استفاده کرد و طرح شبکه‌ای بدان بخشید و آن را به محلات مختلف تقسیم نمود. تعداد دیگری از شهرهای ساسانی در منابع مستند ذکر شده که بیشتر آنها تا امروز کاملاً سالم برجای نمانده‌اند. با این‌همه مستوفی در تاریخ خود اشاره دارد که ایرانیان در دوره پیش از اسلام در مورد شکل شهرها نه تنها به اشکال هندسی اکتفا نکردند، بلکه معتقد است گاهی شهرها حتی به شکل حیوانات ساخته می شد؛ چنان که یادآور شده: «شهر بیضا به فارس و فسا در اول به شکل مثلث ساخته بودند و در عهد حجاج بن یوسف، عامل او، آزادمرد آن بارو بشکافت و شهر از آن شکل بگردانید، و نیز از آثار بلاد شاپور فارس و عمارت نیشابور خراسان که طهمورث آغاز کرده بود، و پس از اتمام خراب شده، شاپور آن را بر مثال رقعہ شطرنج [هشت در هشت] ساخت و اکاسره را عادت بوده است که شهرها بر مثال جانوران می ساختند؛ چنان که شوش بر مثال [باز] و شوشتر بر مثال اسب و علی هذا ...»^۳

امویان و آغاز جنبش قصور، مساجد و شهرسازی جدید

فرهنگ اعراب در عصر اموی هر چند شیفته بادیه‌نشینی و زندگی بیابانی بود، در عین حال فرهنگی شهری بود؛ زیرا سنن و امثال و حکمی که از بیابان‌ها جمع‌آوری می شد، در شهرها به کار گرفته شده و در نوشته‌ها مورد استفاده قرار می گرفت. عصر امویان در واقع با نشان و آیت مسجد قرین است (تصویر شماره ۱).



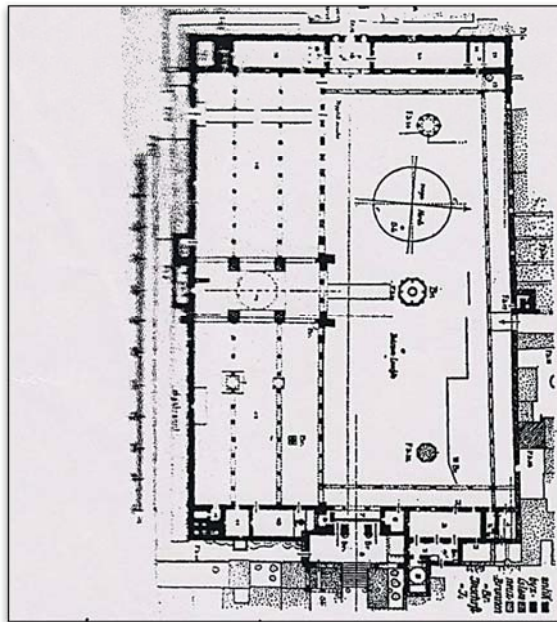
تصویر شماره ۱. طرح مسجدی در کوفه

۱. بوسایلی و شرآتو، هنر پارتی و ساسانی، ص ۳۹.

2. Hippodomse.

۳. مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۱۰۵.

قیروان، فسطاط، اورشلیم، مدینه، بصره و کوفه هر کدام مساجدی دارند. اما در دمشق (تصویر شماره ۲) ولید، ششمین خلیفه اموی مسجدی الگوگونه بنا کرد. در این مسجد می‌توان روند تحولی را که در کمتر از یک قرن انجام گرفته، ارزیابی کرد؛ تحولی که از نمونه ابتدایی مسجد به نام یموس^۱ که بر روی خاک ترسیم می‌شد و گاهی با شاخه‌های نازک نی محصور می‌گردید، تا مسجد پناه‌گرفته در زیر نخلستان‌ها را شامل می‌شد. به‌طور قطع اسلام در اولین موفقیت بزرگ هنری خویش که در مساجد عصر اموی تجلی یافته، بیش از نوآوری، از هنر مردم روم شرقی و ایران اقتباس کرده است. از توصیفات منابع چنین برمی‌آید^۲ که نوع مساجدی که در سوریه ساخته شد، کاملاً متفاوت با مساجد سوریه بود. طراحی مساجد از نوع ایرانی که در کوفه، بصره و بعدها در واسط، بغداد و سامرا ساخته شد، مدور بود و دیوارهای آجری داشت. این ستون‌ها گاهی از چوب ساخته شده بودند. در این نوع مساجد پیوند مستقیمی با آبدانای کهن ایرانی و تالار یا رواقی با بام مسطح کاخ‌های بعدی ایرانی دیده می‌شد.^۳



تصویر شماره ۲. طرح مسجد اموی در دمشق

در زمینه ساخت قلاع و کاخ‌ها و شهرها نیز می‌توان چنین گفت که هنگامی که سپاهیان عرب تحت فرماندهان قرشی از حجاز به طرف شمال حرکت کردند، با یک سلسله دژهای مرزی رومی، یعنی اردوگاه‌هایی که با سنگ و آهک رومی ساخته شده بودند، مواجه شدند که از خلیج عقبه تا

1. Temenos.

۲. میکل و لوران، اسلام و تمدن اسلامی، ص ۱۲۱.

۳. کرابر، اتینگهاوزن، جغرافیای تاریخی کوفه، ص ۲۴.

دمشق و از دمشق تا پالمیرا کشیده شده بود. برخی از این دژهای مرزی اندکی بعد اقامتگاه شاهزادگان اموی گردید. بنابراین امویان هنگامی که تصمیم به ساخت قلایعی در مرزهای بیزانس گرفتند، به‌ناچار دریافتند که قلعه‌هایی که می‌سازند باید تحت تأثیر رومیان باشد.^۱

شایان ذکر اینکه، اعراب در قرن اول هجری (هفتم میلادی)، در سوریه شهر جدیدی بنا نکردند. اما در قرن دوم هجری (هشتم میلادی)، در زمان خلیفه سلیمان (۷۱۷ - ۷۱۵ م / ۹۹ - ۹۷ ق) شهر رمله (رام‌الله) بر سر دو راهی که از بیت‌المقدس به دریا منتهی می‌شد، توسط سلیمان بن عبدالملک بنا گردید.^۲ مدتی بعد شهرهایی چون جابیه (قریه‌ای در ۸۰ کیلومتری جنوب دمشق) و دابق (در شمال حلب) که در ابتدا قرارگاه‌های نظامی بودند، پس از دمشق در درجه دوم اهمیت واقع شدند؛ زیرا بعضی از این قرارگاه‌های کوچک مدتی بعد به‌تدریج به شهرهای بزرگ مبدل شده و جای شهرهای بزرگ قدیمی را گرفتند.

قاهره یکی از این شهرها بود که در ابتدا به نام فسطاط^۳ (به‌معنا خیمه و سایبان) شناخته می‌شد؛^۴ به این دلیل که به‌وسیله عمرو بن عاص محل اردوگاهش تعیین شده بود در زبان یونانی و لاتین وجه تسمیه این شهر را ناشی از محاصره ناحیه به‌وسیله خندق دانسته‌اند.^۵ این شهر در فاصله ۲/۵ کیلومتری جنوب غربی مرکز قاهره و در ساحل راست نیل واقع شده که امروز نام یکی از محلات بزرگ قاهره است. عمرو بن عاص در سال ۱۸ ق به هنگام حرکت برای فتح مصر آنجا را اردوگاه خویش انتخاب کرده بود^۶ نام دیگر شهر مصر «العتیقه» بود. این شهر به طول پنج و عرض یک کیلومتر ساحل شرقی نیل را در برمی‌گرفت. در وسط خیابان اصلی میدانی وجود داشت که عمارت عدلیه و مسجد عمرو بن عاص در آن قرار داشت.

شهر قیروان در تونس از جمله شهرهایی است که در عهد فرمانروایی معاویه بن ابی‌سفیان توسط عقبه بن نافع بنا گردید. در رابطه با وجه تسمیه و تأسیس آن، یاقوت به نقل از ازهری نقل کرده که قیروان واژه‌ای معرب است که در فارسی کاروان می‌نامند و از قدیم اعراب آن را استعمال می‌کرده‌اند. وی در ادامه ابیاتی از امرؤالقیس شاهد آورده^۷ سپس یادآور می‌شود که این شهری اسلامی است. وی

۱. همان، ص ۱۶ - ۱۴.

۲. مسعودی، التنبیه و الاشراف، ص ۳۴۲ - ۳۴۱.

3. Fossaton.

۴. مسعودی، التنبیه و الاشراف، ص ۳۴۲ - ۳۴۱.

۵. بارتولد، بررسی مختصر فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۴۲.

۶. یاقوت حموی، معجم البلدان، الجزء الرابع، ص ۲۶۲.

۷.

در مورد چگونگی پیدایش این شهر به نقل از اهل سیر می‌گوید: معاویه بن ابی‌سفیان، معاویه بن خدیج الکندی را از فرمانروایی افریقا خلع کرد و او را به حدود مصر محدود کرد و افریقا را به عقبه بن نافع واگذار نمود. عقبه بن نافع این شهر را تأسیس کرد.^۱ مغربیان این شهر را مقدس می‌داشتند و تا زمان آمدن فرانسویان، ورود غیر مسلمانان به آنجا ممنوع بود.

تحرك و پویایی شهرها در جهان اسلام امر عجیبی بود. شهرها پدید می‌آمدند، گسترش پیدا می‌کردند، جوانه می‌زدند و آنگاه متلاشی می‌شدند. نمونه این روند بغداد و همچنین قیروان و قاهره بود که اولین حکام عباسی و ابن طولون و فاطمیون در کنار فسطاط، هربار شهر جدیدی چون العسکر^۲ و القطاعیه^۳ را تأسیس نمودند. نمونه دیگر، قرطبه پایتخت امویان اسپانیا بود که در میان قصرهای فراوان محصور شده بود؛ قصرهایی که هریک عامل پیدایش شهر جدیدی در اطراف خود شدند. در مواردی نیز شاهد تلفیق دو بافت، یعنی شهر قدیمی و مقرر فاتحان در کنار هم هستیم. شهرهای مرو، بلخ، بخارا و سمرقند در شمال شرقی ایران از این جمله است. این درحالی است شهر فاس در افریقای شمالی همان ساختار دوگانه و مجزا را داشت.^۴

تأسیس نخستین شهرهای عرب در خارج از جزیره العرب

۱. کوفه

به‌دنبال پیروزی قاطع سعد بن ابی‌وقاص در نبرد قادسیه و شکست نیروهای ساسانی، سعد به‌سوی مدائن حرکت کرد و با اهالی رومیه و بهرسیر مصالحه نمود. سپس تمام مدائن را تصرف کرد و اندکی بعد اسباببر و گردبنداد را نیز با قوه قهریه گشود و سپاه خویش را در آن جای داد. از روایات بلاذری چنین به‌نظر می‌رسد که پس از این پیروزی‌ها، عمر بن خطاب نامه‌ای به سعد بن ابی‌وقاص نوشته و بدو دستور داده است که برای مسلمانان دارالهجراه‌ای بنا نماید، اما بین خود و او دریایی قرار ندهد. به‌دنبال این فرمان خلیفه، سعد به‌سوی انبار روانه شد و درصدد برآمد آنجا را به‌عنوان اردوگاه انتخاب نماید؛ اما جای مناسبی نیافت. برخی گفته‌اند سپاه را به‌سوی سوق حکمه برد، اما شخص دیگری یادآور شده که سعد سپاه را به‌سوی کویفه در فراسوی کوفه برد. به‌دنبال آن، بلاذری از قول ائرم نقل کرده که تکوف به‌معنا اجتماع است؛ همچنین گفته‌اند که جاهای دایره‌شکلی در شتزار که در آن ریگ و گل و شن به‌هم آمیخته‌اند را کوفه نامند.^۵ گرچه برخی مستشرقین چون پلیوت به‌نقل از دو

۱. همان، ص ۴۲۱ - ۴۲۰.

2. Alaskar.

3. Alqatai.

۴. میکال و لوران، اسلام و تمدن اسلامی، ص ۱۷۹ - ۱۷۸.

۵. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۳۷۱.

نقاش چینی ساکن در کوفه در فاصله سال‌های ۷۶۲ - ۷۵۱ ق آن را «یا - کیو - لو» یا عاقولای سریانی (شهر مدور) ذکر کرده‌اند.^۱ بدین طریق، اولین شهر - اردوگاه عرب - در سال ۱۷ ق به دست سعد بن ابی‌وقاص تأسیس شد. سعد این شهر را خطکشی کرد و برای مردم منازلی تعیین نمود. «پس از آن برای تعیین جایگاه مسجد به یکی از افراد دستور داد که تیری بدان سوی که باد قبله آید، بیندازد؛ سپس آنجا را نشان کرد. بار دیگر دستور داد تیری بدان سوی که باد شمال آید بیفکند؛ باز محل فرود تیر را نشانی نهاد. سپس برای بار سوم تیری به جانب جنوب که باد صبا آید بیفکند؛ آنجا را نیز نشان کرد. آنگاه مسجد و دارالاماره در جایگاه تیرانداز و اطراف آن معین کرد. سپس میان نزار و اهل یمن قرعه انداخت تا به نام هرکس که افتد، جانب راست از آن او باشد و این بخش نیکوتر از بخش دیگر بود. قرعه به نام اهل یمن افتاد و آن خطه‌ها که در جانب شرق بود، بر آنان تعلق گرفت و خطه نزاریان در جانب غربی بالاتر از آن علامات افتاد. آنگاه زمین‌های نزدیک‌تر را به سرای مسجد و دارالاماره اختصاص دادند.»^۲

بدین ترتیب، این شکل نخستین اقامتگاه سربازان عرب و همسرانشان بود که در آن زمان همراه سپاهیان بودند. شاید در آن هنگام به ذهن هیچ‌یک از فرماندهان و جنگجویان خطور نمی‌کرد این اردوگاه بسیار ساده پس از مدت چندین دهه به صورت یکی از مهم‌ترین و جنجال‌برانگیزترین شهرهای اسلامی در قرون وسطا درآید؛ زیرا به عقیده برخی محققین، اندکی بعد این شهر از سویی به صورت مرکز مهم عقاید جنجال‌برانگیز غلات شیعی درآمد^۳ و از دیگر سو به مرکز مهم ظهور و گسترش نهضت‌های شیعی مبدل گردید.

به نوشته لویی ماسینیون، این وضع ساده کوفه به مدت پنج سال از ۱۷ تا ۲۲ ق (آغاز دوره فرمانروایی مغیره بن شعبه) ادامه داشت، تا اینکه خانه‌های واقعی از خشت خام برپا گشت. و اولین منازل در محله کنده ساخته شد. این خانه‌ها متعلق به قبایل مراد و خزرج بود که به دنبال هم‌پیمانی با قبیله کنده، همراه آنان در یک منطقه سکونت گزیده بودند.

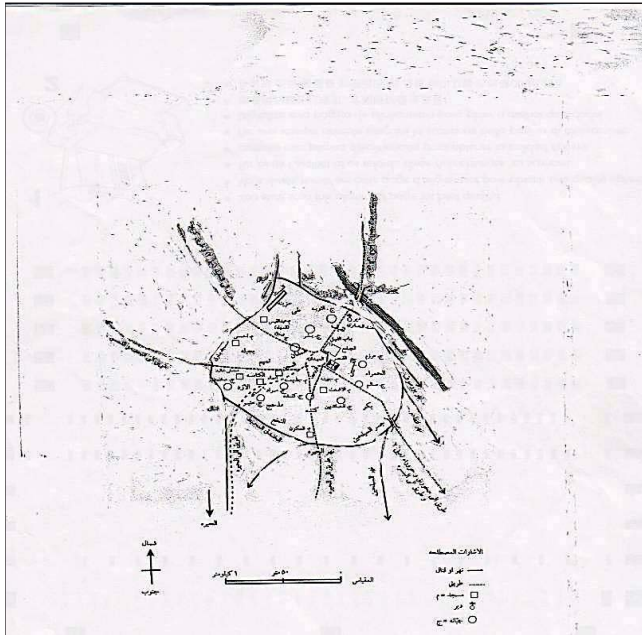
در سی سال اول تأسیس شهر کوفه این چادرها و کومه‌های نیین به هفت منطقه نظامی (الاسباع) تقسیم می‌شدند که به مناطق هفت‌گانه این شهر منسوب و ساکنان آنان در حقیقت جنگجویان قبایل بودند. ساکنان هر منطقه، فرماندهی واحد داشتند و هنگام آماده شدن برای جنگ و شرکت در جهاد، دسته‌های مشخص را تشکیل می‌دادند. پس از بازگشت از جنگ نیز غنائم به همین ترتیب توسط رؤسای مناطق میان ساکنان هر منطقه تقسیم می‌شد. بنابراین در این تاریخ مناطق

1. Pelliot 1928, p 110 - 113. (به نقل از لویی ماسینیون)

۲. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۷۱؛ اصطخری، مسالك و ممالك، ص ۸۳.

۳. کامل الشیبی، تفسیر و تصوف، ص ۲۹ - ۲۶.

هفت‌گانه کوفه محلات شهری نبودند؛ بلکه سکونتگاه‌های قبیله‌ای بودند که ساکنان آنها براساس خویشاوندی‌های نسبی یا هم‌پیمانی گرد هم آمده بودند.^۱



تصویر شماره ۳. کوفه قدیم

در سال ۵۰ ق در دوران فرمانداری زیاد بن ابیه در کوفه، محلات نظامی کوفه همانند محلات بصره سامان داده شد؛ به این معنا که مناطق هفتگانه به چهار منطقه (الارباع) تقسیم گشت. این تقسیم‌بندی پس از آن بود که هر دو گروه از شش گروه اول در یک گروه ادغام شدند. (تصویر شماره ۳):

۱. اهل العالیه؛ ۲. تمیم و همدان؛ ۳. ربیعہ (بکر) و کنده؛ ۴. مذحج و اسد.
 نام بسیاری از خیابان‌ها از نام قبایل و خاندان‌هایی که در اطراف آن سکونت داشتند، گرفته شده بود. بعضی از آنها هم نام برخی از بازرگانان غیرعرب را بر خود داشتند که البته معرب شده بودند.
 در کوفه چهارراه‌هایی بوده است که آنها را به فارسی «چهارسوج» می‌نامیده‌اند و مهم‌ترین آنها عبارت بودند از: چهارسوج خنیس، چهارسوج بحیله، چهارسوج کنده و چهارسوج همدان.
 کوفه در ابتدا دیوار و خندق نداشت. آنچه همگان بر آن اتفاق نظر دارند، وجود گودالی در جانب شمال شرقی شهر در منازل مزینه است که آن را «مستناه جابر» یا «بند جابر» می‌گفتند. همچنین در جنوب شرقی شهر هم کانالی بوده (نهر بویب) که جدول‌هایی از آن به سوی «جوف العتیق»، یعنی

۱. ماسینیون، جغرافیای تاریخی کوفه، ص ۱۵.

محلی که در آن حمامها و آب‌انبارهایی قرار داشت، کشیده شده بود. در سال ۱۴۵ ق منصور دستور داد خندقی بزرگ گرداگرد کوفه کنند و مجرایی کشیدند که آب فرات را به داخل آن هدایت می‌کرد. بر این خندق پل‌هایی بستند که دارای درهایی بود که ارتباطات تجاری را تسهیل می‌کرد.^۱ کوفه در یک‌صد سال اول حیات خود دارای آب شرب نبود. به همین دلیل آب را از شریعه فرات به‌درون شهر می‌آوردند.

۲. بصره

یاقوت حموی آن را دو بصره دانسته است: بصره بزرگ در عراق و دیگری در مغرب؛ اما دو بصره عراق، کوفه و بصره می‌باشند. وی به نقل از ابن‌انباری یادآور شده که بصره در کلام عرب عبارت از زمین سخت و سفت و سنگ و دارای سنگ‌های (خاک) سپید است.^۲ مسعودی یادآور شده قبل از آنکه عتبه بن غزوان در آنجا فرود آید، آن را سرزمین هند می‌نامیدند.^۳

البته در *دایرة المعارف اسلام* در مورد وجه تسمیه بصره چنین آمده است: همان منطقه باستانی تریدون^۴ است که به‌طور دقیق‌تر محل سکونت ایرانیان بوده که آن را «وهیشته باده اردشیر»^۵ می‌نامیده‌اند. اما بعد از اینکه این ناحیه به‌عنوان اردوگاه نظامی عتبه بن غزوان برگزیده شد، اردوگاه جدید بر روی ویرانه باستانی که اعراب «الخُرَیْبَه» نامیده بودند، برپا گشت.^۶

منابع عربی یادآور شده‌اند که عمر بن خطاب، خلیفه دوم به عتبه بن غزوان دستور داد برای سپاهیان اردوگاهی بنا نماید. او نیز در محرم سال ۱۷ ق (۶۳۶ م) آن را بنا کرد^۷ و سپس مسجد آن را برپا نمود. بنابه نقل مسعودی، عده‌ای نیز گفته‌اند که این شهر در ربیع‌الاول یا ربیع‌الآخر سال شانزدهم برپا شد.^۸ دو شهر کوفه و بصره بعدها پس از بغداد به‌صورت معروف‌ترین و مشهورترین شهرهای حوضه بین‌النهرین درآمدند.

مقدسی در نیمه دوم قرن چهارم هجری در وصف بصره نوشته است: «خانه‌ها در سمت بیابان ساخته شده است. شهر در این قسمت یک دروازه دارد. از این دروازه تا کنار نهر نزدیک به سه میل

۱. همان، ص ۲۶.

۲. یاقوت حموی، *معجم البلدان*، ص ۴۳۱ - ۴۳۰؛ استخری، *مسالك و ممالك*، ص ۸۳؛ مسعودی، *التنبیه و الاشراف*،

ص ۳۴۰.

۳. همان.

4. Teredon.

5. VahishtābādhArdasher.

6. Duri The Encyclopaedia of islam; Vol I, p 1085.

۷. اصطخری، *مسالك و ممالك*، ص ۸۲.

۸. مسعودی، *التنبیه و الاشراف*، ص ۳۴۰.

است. بصره سه مسجد جامع دارد؛ یکی از آنها دلگشا و بزرگ و آباد در بازار است، با ستون‌های سفیدشده، در عراق مانند ندارد. دیگری در سمت دروازه بادیه است و این کهن‌تر است. سومین مسجد جامع در آن سوی شهر است. شهر دارای سه بازار است: قطع‌الکلا، در کنار نهر؛ بازار بزرگ؛ باب‌الجامع؛ همه این بازارها زیبایی‌ند. گرمابه‌های شهر خوب است. ماهی و خرما می‌نیکو و پرگوشت، سبزی، پنجه، شیر، دانش و بازرگانی دارد؛ ولی کم‌آب، بدآب، بدهوا، گندیده و پرآشوب است.^۱

بصره به هنگام ظهور صاحب‌الزنج در سال ۲۵۷ ق به‌شدت آسیب دید و قسمت‌های عمده شهر از جمله مسجد جامع در آتش سوخت. بار دیگر در سال ۳۱۱ ق قرامطه به بصره حمله و به مدت هفده روز شهر را غارت کردند. حدود العالم یادآور شده: «بصره شهر بزرگ است و دوازده محله دارد که هر یکی برابر شهری است، ولی از یکدیگر جدایند و گور طلحه و انس بن مالک و حسن بصری آنجاست».^۲

ظهور خلافت عباسی و رشد و شکوفایی تمدن اسلامی (۱۲۵۸ - ۷۴۹ م / ۶۵۶ - ۱۳۲ ق)

در اواسط قرن هشتم میلادی و به‌طور دقیق‌تر در سال ۷۵۰ م / ۱۳۲ ق حادثه‌ای رخ داد که در سرنوشت عالم اسلامی، به‌خصوص فرهنگ و هنر اسلامی اثر قابل ملاحظه‌ای از خود به‌جا گذاشت و آن، واژگونی خلافت اموی به‌دست هواداران خلفای عباسی و انتقال مرکز خلافت از سوریه به بین‌النهرین بود. ظهور خلافت عباسی در مرکز جهان اسلام تولد جامعه‌ای به‌شدت مهذب و جهانی را بشارت می‌داد که حیات هنری و روحانی آن با قوت تمام اندکی بعد شکوفا گردید. با جدایی خلافت عباسی از مناطق غرب اسلامی و انتقال مرکز خلافت از دمشق به بغداد در حول و حوش تیسفون پایتخت باستانی، جریان گسترده‌ای از تأثیرات هنری ایران به راه افتاد و خاطرات و یادبودهای دوره ساسانی و حتی بین‌النهرین باستان بار دیگر زنده شد. از این زمان به بعد تأثیر فرهنگ هلنی / رومی در شرق اسلامی در درجه دوم اهمیت قرار گرفت^۳ و حتی تأثیر اندک آن نیز در این جریان جدید شرق و شرق‌گرایی و شرق‌سازی به‌تدریج محو گردید. تأثیر ایرانیان در قلمروهای سیاسی و مذهبی در اندک زمانی چنان از نیروی فعال و توانایی برخوردار گردید که تعیین معیارهای مناسب برای تحدید و کنترل آن مقدور نبود. از اینها گذشته، اهمیت ایران در هنر اسلامی طی تکامل تدریجی‌اش تا تبدیل شدن به یک هنر زیبای مستقل و مجزای اسلامی بسیار حائز اهمیت بود. از این‌رو می‌توان اهمیت این دوره را که در واقع یکی از باشکوه‌ترین ادوار تاریخ میانه است، در زمینه و حوزه تاریخ هنر کشف نمود؛ تمدن

۱. مقدسی، احسن التقاسیم، ج ۱، ص ۱۶۳ - ۱۶۲.

۲. حدود العالم، ص ۱۵۲.

۳. گرابر و آئینکهاوزن، هنر اموی و عباسی، ص ۳۹.

گسترده‌ای که فرهنگ‌های شهری و روستایی وسیعی از شمال آفریقا و سواحل آتلانتیک تا نواحی غربی اقیانوس آرام و از آنجا تا اقیانوس مرکزی و دامنه‌های صحاری آفریقا را دربر می‌گیرد.^۱

انواع شهرهای اسلامی

در روند رو به افزایش علاقه به امر شهرسازی در بین خلفا و امرای اسلامی، ظاهراً شهرها با اهداف خاصی پدید آمدند که می‌توان آنها را برحسب اشکال‌شان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. دارالهجیره‌ها (اردوگاه‌های نظامی) که بعدها برای مدتی مدن هجرت و امصار نامیده شدند.

۲. شهرهای عواصم یا پایتخت‌های دولت‌های جدید.

۳. شهرهای مذهبی که پیرامون مشاهد مقدس شکل گرفتند.^۲

۱. شهرهای نظامی

به‌منظور گسترش و تأمین فتوحات اسلامی در سرزمین‌های دارالکفر در خارج از جزیره‌العرب، ضرورت‌های نظامی ایجاب می‌کرد که مسلمانان پایگاه‌های نظامی یا به عبارت دیگر دارالهجیره‌هایی در حد فاصل مدینه و مرزهای جدید برای تداوم فتوحات خود برپا کنند. این اقدام با شروع عصر فتوحات آغاز شد. مورخین، جغرافی‌دانان و مستشرقین از نمونه‌های مشهور این‌گونه اردوگاه‌های نظامی که بعدها به شهرهای مهم و مشهور تبدیل شدند، از کوفه و بصره در بین‌النهرین و فسطاط در مصر و قیروان در تونس نام برده‌اند.

۲. شهرهای عواصم یا پایتخت خلفا و فرمانروایان

شرایط سیاسی و قلمرو وسیع امپراتوری اسلامی مدتی پس از تشکیل آن به‌ناچار خلفا را بر آن داشت تا برای اداره دقیق‌تر و بهتر آن را به امارت‌های کوچک‌تر تقسیم نمایند. همین امر زمینه‌های تأسیس شهرهای عواصم را به‌عنوان مراکز سیاسی یا حکومت‌های جدید فراهم کرد. در میان شهرهای مشهوری که نقش پایتختی داشتند، شهر بغداد را می‌توان به‌عنوان کامل‌ترین نمونه شهرسازی اسلامی معرفی نمود؛ زیرا اولاً مدت نزدیک به یک قرن بعد از تشکیل پیدایش خلافت عربی ساخته شد؛ ثانیاً از لحاظ نقشه و طرح می‌توانست بیانگر شیوه اسلامی و نمونه پیشرفته‌ای تلقی شود که خلفای عباسی به نوشته مورخین و جغرافی‌دانان اموال فراوانی در ساخت و تأمین امنیت آن و همچنین تحقق سیادت خود هزینه کردند. بلاذری این مبلغ را توسط منصور دوانیقی ۱۸ هزار هزار (۱۸ میلیون) ذکر کرده است.^۳ به نوشته بیشتر جغرافی‌دانان اسلامی و آثار مستشرقین تحت عناوین «تاریخ هنر اسلامی» شهر

1. meloy, *The oxford companion Archeology*, p 335.

۲. مکی، *تمدن اسلامی در عصر عباسیان*، ص ۱۰۳.

۳. بلاذری، *فتوح البلدان*، ص ۲۹۳.

بغداد در شمار مشهورترین شهرهای قرون وسطا بوده است که به‌دست منصور، دومین خلیفه عباسی در نیمه سده دوم هجری برپا گردید. بنا به گفته بلاذری، منصور ساخت این شهر را در سال ۱۴۵ ق آغاز و در سال ۱۴۸ ق به پایان برد.^۱ تردیدی نیست که دلایل نظامی - سیاسی عباسیان را بر آن داشت تا مکان مناسبی برای حکومت خویش برگزینند که هم از دمشق (مرکز هواداران اموی) و همچنین کوفه (مرکز هواداران علوی) تا حدی به‌دور باشد، و از طرف دیگر به ایرانیان طرف‌دارشان نزدیک‌تر باشند. مورخین و جغرافی‌نویسان در مورد بغداد و وجه تسمیه آن نقل کرده‌اند که آن قریه کوچکی از آن ایرانیان بود. از همین رو نام بغداد نیز ریشه ایرانی دارد که از دو جزء تشکیل شده است: «بغ» (بگ) به معنای باغ و «داد» (داته) که نام صاحب آن بوده است. احتمال دیگر آن است که «بغ» نام صنمی بوده و «داد» به معنای بخشش که در مجموع بغداد به معنای هدیه بغ می‌شود.^۲ «بغ» به معنای خدا و بغداد به معنای خداداد هم آمده است! اما مسعودی یادآور شده که در مجاورت صراه یک دیر قدیمی و یک باغ وجود داشت؛ بدین جهت آن را بغداد (باغ‌داد) گفتند. به قولی نیز پیش از ظهور اسلام و در زمان تسلط ایرانیان بر این ناحیه، در آن محل بتی به نام «باغ» بوده است.^۳

یعقوبی اقدامات نخستین خلفای عباسی برای برپایی مرکز خلافت خود را چنین نقل کرده است: «چون ابوجعفر منصور به خلافت رسید، میان کوفه و حیره شهری بنا کرد و آن را «هاشمیه» نامید، و مدتی آنجا اقامت گزید تا آنکه در سال ۱۴۰ ق تصمیم گرفت پسرش محمد مهدی را برای جنگ صقالیه بفرستد. پس رهسپار بغداد شد و آنجا توقف کرد و گفت: نام اینجا چیست؟ به وی گفتند: بغداد. گفت: به خدا قسم همان شهری است که پدرم محمد بن علی خیرم داد که آن را بنا می‌کنم و در آن منزل می‌گزینم، و فرزندانم پس از من در آن ساکن می‌شوند، و پادشاهان در دوران جاهلیت و اسلام از آن غفلت ورزیده‌اند، تا تدبیر خدا برای من و فرمان وی درباره‌ام به انجام رسد ... جزیره‌ای که میان دجله و فرات است؛ دجله در خاور و فرات در باختر آن قرار دارد. راهی است به دریا برای دنیا، و هرچه از طریق دجله، از واسط، بصره، اُبله، اهواز، فارس، عمان، یمامه و بحرین و آنچه بدان وابسته است می‌آید، به همین جزیره می‌رسد و در آن لنگر می‌اندازند. همچنین آنچه از موصل و دیار ربیع و آذربایجان و ارمنستان از طریق دجله به وسیله کشتی می‌رسد و آنچه از طریق فرات به وسیله کشتی از دیار مُضر و رَقّه و شام و مرز (روم) و مصر و مغرب (زمین) حمل می‌شود، همه‌اش در اینجا فرود می‌آید، و نیز راه خشکی اهل جبل، اصفهان و نواحی خراسان است.»^۴ سپس در مورد چگونگی و مقدمات ساخت بغداد

۱. همان.

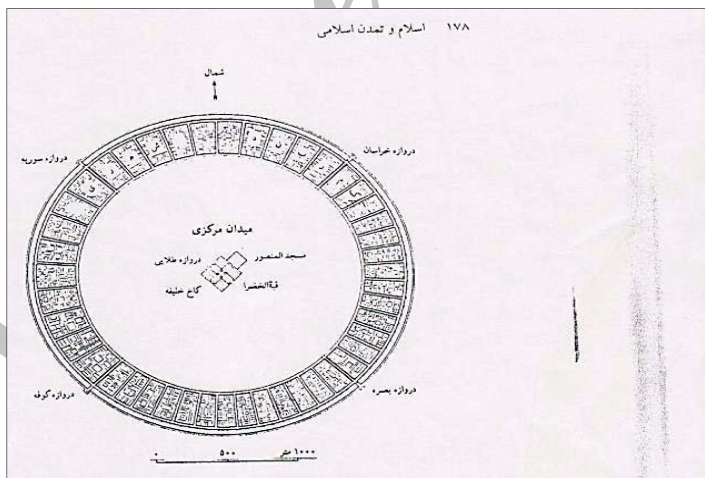
۲. بارتولد، بررسی مختصر فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۰۱؛ 908-894؛ *The Encyclopaedia of islam*, Duri.

۳. مسعودی، التنبیه و الاشراف، ص ۳۴۳.

۴. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ص ۸.

چنین یادآور شده: «... مهندسان و معماران و کسانی که به علم پیمودن و مساحت کردن و تقسیم نمودن اراضی آشنایند، (مأموران) گسیل داشت تا آنکه گرد شهر خود معروف به مدینه ابی جعفر را خط برکشید (و نقشه آن را طرح کرد) و معماران و کارگران و صنعتگران از دروگران و آهنگران و مغنیان را فرا خواند، چون فراهم شدند و کامل گشتند، حقوقشان را معین کرد و مزدشان را برقرار ساخت، و به هر سرزمینی نوشت تا از کسانی که به چیزی از کارهای ساختمانی آشنایی دارند، هر که را آنجاست، روانه سازند و در نتیجه صد هزار از اصناف کارگران و صنعتگران نزد وی فراهم آمدند. و جماعتی از مشایخ چنین گزارش دادند که ابوجعفر منصور کار ساختمانی را آغاز نکرد تا وقتی که کارگران و صنعتگران وی به صد هزار رسیدند و سپس در ماه ربیع‌الاول سال ۱۴۱ گرداگرد آن را خط برکشید و آن را به شکل دایره قرار داد و در همه نواحی دنیا شهری دایره‌وار جز آن شناخته نیست.^۱ و شهر را در همان وقتی که نوبخت منجم ما شاء الله بن ساریه اختیار کرده بودند، پی‌ریزی کرد.^۲»

منصور شهر جدید خود را «مدینه السلام» نامید؛ اما این نام چندان کاربردی نیافت.^۳ البته این شهر «بغداد زورا» هم نامیده شد؛ دلیل آن هم ظاهراً این بوده که دجله هنگام ورود به شهر دچار انحراف می‌شد یا آنکه درهای داخلی دیوار شهر نسبت به درهای خارجی انحراف داشت؛ چه آنکه بغداد دو دیوار داخل هم (تودرتو) به‌صورت مدور داشت که هر دو حول یک مرکز بود.^۴ از آنجا که شهر بغداد مدور بود، آن را شهر مدور هم نامیده‌اند.



تصویر شماره ۴. طرح شهر بغداد

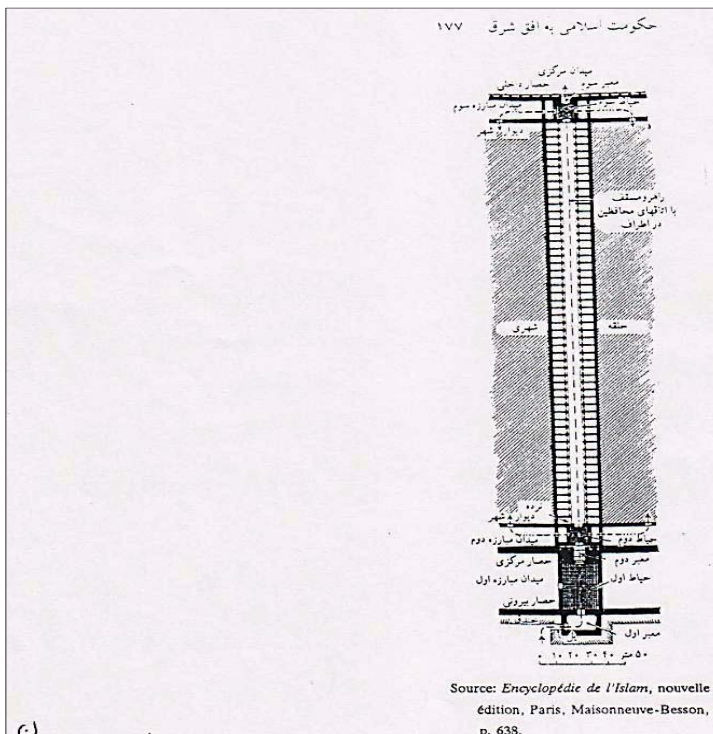
۱. تصویر شماره ۴.

۲. همان، ص ۹.

۳. ابن الخطیب، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۷۰-۶۶؛ اصطخری، مسالك و ممالک، ص ۸۴.

۴. عقیق البهنسی، هنر اسلامی، ص ۱۴۲.

دارالخلافه، مسجد جامع، نیروهای نظامی، خانه‌های فرزندان خلیفه، کاخ‌های دولتی و بیت‌المال در مرکز شهر قرار داشت. چهار خیابان اصلی برای شهر کشیدند که به چهار دروازه شهر منتهی می‌شد و رفت و آمد از طریق آنها صورت می‌گرفت؛ زیرا شهر را دیواری دربر می‌گرفت که مانع ورود و خروج افراد می‌شد.^۱ الگویی این‌چنینی تمامی مفاهیم پیشین شهر را در خود داشت؛ هم شهر - قدرت، هم شهر - دیوان و هم شهر - بازار بود.^۲ دروازه‌ها عبارت بودند از:



تصویر شماره ۵. برشی از طرح مدوّر شهری بغداد

۱. باب الکوفه؛ ۲. باب البصره؛ ۳. باب الشام؛ ۴. باب الخراسان. هر دروازه دو در آهنی بزرگ باشکوه داشت. علاوه بر اینها، بغداد دارای بازارهای متعدد بود و تأسیسات شهری در تمام محلات دایر بود.^۳ خلیفه برای کاهش فشار نظامی بر شهر، به فرماندهان نظامی زمین‌هایی را که «قطاع» نامیده می‌شد، داد. به تدریج قطاع بسیار آباد و پرجمعیت شد و هر قطعه به نام شخص یا گروهی که در آن قطعه ساکن بود، مشهور شد؛ مثل قطعه ربیع بن یونس.^۴

۱. همان.

۲. حبیبی، از شمار تا شهر، ص ۵۶.

۳. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ص ۲۶؛ پرایس، هنر اسلامی، ص ۲۰.

۴. اصطخری، مسالك و ممالک، ص ۸۴.

۳. شهرهای مذهبی پیرامون مشاهد مقدس

از عوامل ممیزه دیگری که در زمینه پیدایش شهرها در جوامع مسلمان نسبت به سایر جوامع غیر مسلمان به چشم می‌خورد، پیدایش و ظهور شهرها در اطراف مقابر و مشاهد مقدس می‌باشد؛ زیرا مکان‌های فوق به دلیل جاذبه معنوی باعث جذب مؤمنین برای کسب فیض بیشتر به‌سوی خود می‌شدند. شهرهای کربلا و نجف و مشهد که در اطراف مزار ائمه شیعه شکل گرفته‌اند، در شمار این‌گونه شهرها به حساب می‌آیند. منابع تاریخی به‌عنوان نمونه در مورد شهر نجف نوشته‌اند که پس از شهادت حضرت علی علیه السلام در سال چهل هجری جسد مبارک آن حضرت را شبانه به خارج از شهر کوفه و در نزدیکی شهر قدیمی حیره بردند و در بیابانی به‌نام نجف به خاک سپردند. شاید به همین دلیل نویسنده تاریخ کوفه به نقل از سراج‌الدین آورده است که ابن‌وردی در *خریده العجایب* آورده است که کوفه شهر علوی است و حضرت علی علیه السلام آن را به شهر تبدیل کرد.^۱ در اواخر سده دوم هجری، یعنی حدود سال ۱۷۰ ق نخستین بارگاه به دستور هارون‌الرشید خلیفه مشهور عباسی بر روی آرامگاه آن حضرت ساخته شد. سپس در سال ۳۷۱ ق به دستور عضدالدوله دیلمی بارگاه باشکوه‌تری بر مزار حضرت برپا گردید. به‌تبع حمایت دیلمیان از شیعیان اثناعشری، ابن‌سہلان یکی از وزرای آل‌بویه نیز در سال ۴۰۰ ق دیواری به دور شهر کشید. این شهر مدتی بعد در سال ۴۴۹ ق با مهاجرت شیخ طوسی به آن به بزرگ‌ترین مرکز علمی شیعیان تبدیل شد. دیگر شهرهای مشهور شیعیان همچون کربلا و مشهد نیز وضعیت مشابهی داشته‌اند.

علاوه بر شهرهایی که مستقیماً به‌دست مسلمانان ساخته شد، افراد و فرماندهان عرب نیز بعضی شهرهای قدیمی را که بخش‌هایی از آن ویران شده بود، بازسازی کرده و باعث رونق مجدد آنها شدند؛ از آن جمله شهر قیروان در کنار قرطاجنه (کارتاژ) باستان بود که به‌وسیله مسلمانان بازسازی و پس از مدتی به شهری بزرگ مبدل شد.

گذشته از موارد فوق در زمینه تلاش مسلمانان برای گسترش شهرها پس از عصر فتوحات، در بعضی نواحی نیز چون ماوراءالنهر که در شمار نواحی سرحدی (نغر) محسوب می‌شد، مسلمانان پس از فتح شهرهای بخارا، سمرقند و مرو براساس سیاست اولیه خلفا در جلوگیری از آمیزش اعراب با بومیان، در حاشیه این شهرها سکونت می‌گزیدند. بدین ترتیب محله‌هایی در حاشیه شهر با نام «ربض» شکل می‌گرفت که با گذشت زمان دارای امکاناتی چون مسجد جامع، بیت‌المال و قلعه می‌گردید. در نتیجه شهرهای دوگانه‌ای شکل می‌گرفت که به‌تدریج با نفوذ مسلمانان و دین اسلام به درون آنان به شهرهای گسترده‌تر و پرجمعیت‌تر تبدیل می‌شدند. برآیند چنین اقداماتی سرانجام

منجر به پیدایش شهرهای چندملیتی و فرهنگی می‌گردید که به مراتب بزرگ‌تر از شهرهای قدیمی بودند و گاهی حتی به کانونی علمی و فرهنگی تبدیل می‌شدند.

نتیجه

چنان‌که بیان گردید، می‌توان چنین گفت مهاجمین عرب در مدتی نزدیک به دو نسل پس از تشکیل خلافت جهانی (امپراتوری‌گونه) خود از تجملات ساختمانی و جاه‌طلبی‌های اشرافی‌گری در زمینه معماری اجتناب کردند و کوچک‌ترین اشتیاقی به بهره‌گیری از قریحه پیشرفته معماری اقوام و ملل مغلوب نشان ندادند؛ چنان‌که در سوریه کلیساها را به دو بخش مسجد و کلیسا تقسیم کردند یا اینکه آنها را به مسجد تبدیل می‌نمودند.^۱ در عراق نیز که با اسکان‌های جدیدی روبه‌رو شدند، نخستین مساجدی را که پی افکندند، بسیار ابتدایی و ساده بود، تا اینکه بالاخره چنین ضرورتی را احساس کردند. در نتیجه به‌ناچار به هنرمندان و هنرورزان اقوام مغلوب روی آوردند. آثار این تأثیرپذیری در ساخت قلاع در مرزهای بیزانس در عهد فرمانروایی مؤسس خلافت اموی و پس از آن در شام را می‌توان مشاهده نمود که تحت تأثیر کاخ‌ها (دژهای مرزی رومی) ساخته شده است.^۲ انتقال خلافت از امویان به عباسیان در نیمه سده دوم هجری، تحول جامعه‌ای به‌شدت عالی و جهانی را بشارت داد که حیات هنری و روحانی آن با قوت تمام پس از اندک مدتی شکوفا گردید.

بدون تردید عامل اصلی عدم توجه اولیه اعراب به شهرسازی در جزیره‌العرب را باید فرهنگ بادیه‌نشینی و فقر اقتصادی آنان دانست؛ زیرا شیوه زندگی بادیه‌نشینی در مقابل نظام شهرنشینی قرار داشت؛ چراکه نظام صحرا زندگی ساده و عاری از تجملات را می‌طلبد. از همین روی اعراب در آغاز خروج از سرزمینشان نه آشنایی و علاقه به فنون معماری داشتند و نه از نعمات زندگی یک‌جانشینی شهری برخوردار شده بودند. بدین جهت پس از ورود فاتحانه به سرزمین‌های جدید و برخورداری از ثروت و امکانات فراوان آنان که خود تحولی در زیربنای اقتصادی آنها به‌وجود آورد، به تدریج بر اثر سکونت طولانی مدت آنان در حومه شهرهای فتح‌شده و اصل مجاورت و ارتباط با شهرنشینان، به مزایای زندگی شهری پی برده و به آن خو گرفتند. اما برخی مستشرقین چون ارنست کونل چنین تصور کرده‌اند که عامل اصلی پیشرفت یک دوره ساختمانی و شکوفا شدن بعضی رشته کارهای دستی، تشویق و ترغیب اشراف و قدرتمندان بوده که با دادن سفارشات در این زمینه‌ها انجام گرفته است. بنابه نوشته مذکور، کتیبه‌هایی که در بناهای یادبود از این دوران باقی مانده، بهترین گواه این نوع کمک‌هاست؛ می‌توان به‌خوبی بدین واقعیت پی برد که ملیت

۱. گرابر و اتینگهاوزن، *هنر اموی و عباسی*، ص ۲۳.

۲. همان، ص ۱۶ - ۱۴.

هنرمند در مقابل تعلق خاطر سفارش‌دهنده به فرهنگ خاصی اهمیت چندانی نداشته است؛ به همین جهت در دایره هنر اسلامی نمی‌توان از یک نوع هنر مستقل عربی یا ایرانی، ترکی یا هندی سخن به میان آورد. آنچه تعیین‌کننده بود، علاقه و خواسته حکم‌فرما بود که وی را بر آن می‌داشت تا از دورترین مناطق معماران و استادکاران را برای انجام و پیشبرد مقاصد خود فرا خواند. چنان‌که کریستین پرایس اشاره می‌کند، منصور برای ساخت شهر بغداد به‌عنوان پایتخت خود، صد هزار کارگر را به مدت چهار سال به کار گرفت.^۱ بنابراین آنچه تعیین‌کننده بود، اجرای خواسته حکم‌فرما بود و بس. در واقع مهم این بود که دستورات صادره شده، هر قدر هم که تعدادشان زیاد باشد، چه به منظوره‌های دینی یا غیر دینی، هر چه سریع‌تر انجام پذیرد. حتی حکمروایان فرتوت هم که بنیان‌گذار مسجد یا کاخی می‌شدند، مایل بودند قبل از مرگ نتیجه و حاصل کارشان را مشاهده نمایند؛^۲ زیرا در فضای رقابتی موجود، افراد می‌دانستند نام آنها جاودانه خواهد شد. در پیروی از همین سیاست بود که مهم‌ترین شهر عباسیان، پس از بغداد یعنی سامرا که نزدیک به نیم قرن به‌صورت مقر حکومت آنان درآمد، به‌نوشته ارنست کونل باید به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شاهکارهای شهرسازی در همه ادوار تاریخ مورد توجه خاص قرار گیرد.^۳ سامرا در مقام اقامتگاه خلفا به شهر کاخ‌ها مشهور شد. از میان این کاخ‌ها، سه کاخ شناخته شده بود که به بعضی خلفای عباسی منسوب است. از آن میان می‌توان به بنای جوسق خاقانی اشاره نمود که ساختمانی بسیار باشکوه و باهیب بود و به نوشته گرابر در بین اعراب به «مدائن اعراب» شهرت یافت. این قصر مستقیماً از طاق کسرای شاهان ساسانی الهام گرفته بود.^۴ از این‌رو برخی محققین معتقدند پس از سقوط ساسانیان، سلطنت آنان احیا نشد، اما دربار حکومت عباسیان به‌مراتب باشکوه‌تر از قبل در جای آنان ظاهر شد.

منابع و مأخذ

۱. ابن‌خطیب بغدادی، حافظ ابی‌بکر احمد بن علی، بی‌تا، *تاریخ بغداد*، مکتبه الخانجی، قاهره، دار الفکر.
۲. ابن‌هشام، ابی‌محمد عبدالملک، *السیره النبویه*، مصر، مکتبه الکتاب، ۱۹۷۴ م.
۳. اصطخری، ابواسحق ابراهیم، *مسالک و ممالک*، به همت ایرج افشار، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۳، ۱۳۶۸.

۱. پرایس، *هنر اسلامی*، ص ۲۰.

۲. کونل، *هنر اسلامی*، ص ۸ - ۷.

۳. همان، ص ۳۰.

۴. گرابر و ایتینگهاوزن، *هنر اموی و عباسی*، ص ۴۴.

۴. بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ، بررسی مختصر فرهنگ و تمدن اسلامی، ترجمه علی‌اکبر دیان‌تی، تبریز، ابن‌سینا، ۱۳۵۷.
۵. براقی نجفی، سید حسین، تاریخ کوفه، ترجمه سعید راد رحیمی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱.
۶. بلاذری، ابی‌الحسن، فتوح البلدان، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۳۹۸ ق.
۷. بوسایلی، ماریو، امیر تو و شراتو، هنر پارتمی و ساسانی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی، ۱۳۷۶.
۸. پرایس، کریستین، هنر اسلامی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۵.
۹. حبیبی، محسن، از شمار تا شهر، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۱۰. سلطان‌زاده، حسین، مقدمه‌ای بر شهر و شهرنشینی در ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۱۱. عفیف، البهنسی، هنر اسلامی، ترجمه محمود پورآقاسی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۲. کامل الشیبی، مصطفی، تشیع و تصوف، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۹.
۱۳. کونل، ارنست، هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۵.
۱۴. گدار، آندره، هنر ایران، ترجمه بهروز حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
۱۵. ماسینیون، لوئی، جغرافیای تاریخی کوفه، ترجمه عبدالرحیم قنواتی، تهران، سمت، ۱۳۸۸.
۱۶. مجهول المؤلف، حدود العالم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
۱۷. مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۱۸. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۳، ۱۳۸۱.
۱۹. مقدسی، ابو عبدالله، محمد بن احمد، أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ترجمه علی‌نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان امیران، چ اول، ۱۳۶۱ ش.
۲۰. مکی، محمد کاظم، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه محمد سپهری، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
۲۱. میکل، آندره و هانری لوران، اسلام و تمدن اسلامی، ترجمه دکتر حسن فروغی، تهران، سمت، ۱۳۸۱.
۲۲. هشام، جعیط، کوفه، پیدایش شهر اسلامی، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، بنیاد پژوهش‌های

۱۳۴ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۴، تابستان ۹۲، شماره ۱۱

۲۳. یاقوت حموی الرمى، الشيخ الامام شهاب الدين ابى عبدالله، معجم البلدان، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۳۹۹ ق.

۲۴. يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبى، ترجمه محمد ابراهيم آيتى، تهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، ۲۵۳۶.

25. A.A. Duri, *The Encyclopaedia of islam*, vol, I A-B, New - edition, London, Luzac & co, 1976.

26. Meloy, Johl, *The Oxford Companion Archeology*, Edited by Brian M, Fagan Newyork, Oxford, Oxford University press, 1996.

27. whitcomb, Donald, *Oxford*, Oxford University press, 1996.

Archive of SID